

Critique and Validity of Contemporary Scientific Interpretation based on the Position of Reason and Science in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli

ARTICLE INFO

Article Type

Analytical Review

Aurhors

Ali Fathollahi ¹,
Mohammad Hassan Saneipour ^{2*},
Mohsen Ghasempour ³,
Leila Sadat Moraveji ⁴

How to cite this article

Ali Fathollah, Mohammad Hassan Saneipour, Mohsen Ghasempour, Leila Sadat Moraveji, Critique and Validity of Contemporary Scientific Interpretation based on the Position of Reason and Science in the Thought of Ayatollah Javadi Amoli, *Journal of Quran and Medicine*. 2020;5(3):80-87.

1. PhD student in Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran
2. Associate Professor, Department of Quran and Hadith, Kashan University, Kashan, Iran (Corresponding Author).
3. Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Kashan University, Kashan, Iran
4. Assistant Professor, Department of Quranic and Hadith Sciences, Faculty of Theology, Payame Noor University, Tehran, Iran

* Correspondence:

Address:

Phone:

Email: saneipur@gmail.com

Article History

Received: 2020/08/26

Accepted: 2020/10/29

ePublished: 2020/12/20

ABSTRACT

Purpose: The purpose of this study was to critique the validity of contemporary scientific interpretation based on the position of reason and science in the thought of Ayatollah Javadi Amoli.

Materials and Methods: The application of the experimental method in explaining the Quranic themes in the contemporary period after the interpretive developments focused on the efforts of Seyyed Jamaluddin Asadabadi, has been done on the basis of specific and general contexts. This method has pros and cons, and both groups have their reasons.

Findings: Ayatollah Javadi Amoli is one of the commentators who does not agree with the method of conventional scientific interpretation, as used by people like Tantawi and Eskandarani. It seems that the root of their difference in the method of conventional scientific interpretation is related to several factors: first, his definition of scientific interpretation, and secondly, the principles and rules for interpreting the Qur'an, especially in the case of verses dealing with nature and existence. It is cognitive, it is relevant. This article examines this issue in a descriptive-analytical manner.

Conclusion: Some authors have considered the scientific miracle of the Qur'an to be based on scientific interpretation, while such a view is not correct and valid, the scientific miracle is clearly stated in only a handful of suras that do not even need a commentator, while Scientific interpretation is an approach that tries to reconcile new sciences with prejudice against the Qur'an. Therefore, Javadi Amoli's emphasis on the scientific miracle of the Qur'an does not mean scientific interpretation and there are many essential differences with it.

Keywords: Scientific Interpretation, Javadi Amoli, Interpretive Method, Critique of Scientific Interpretation Method

نقد و بررسی اعتبار تفسیر علمی معاصر با تکیه بر جایگاه عقل و علم در اندیشه آیت الله جوادی آملی

علی فتح الهی^۱

دانشجوی دکتری علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

محمد حسن صانعی پور^{۲*}

دانشیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران (نویسنده مسئول).

محسن قاسم پور^۳

استاد گروه علوم قرآن و حدیث، دانشگاه کاشان، کاشان، ایران.

لیلا سادات مروجی^۴

استادیار گروه علوم قرآن و حدیث، دانشکده الهیات، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران.

چکیده

هدف: هدف پژوهش حاضر نقد و بررسی اعتبار تفسیر علمی معاصر با تکیه بر جایگاه عقل و علم در اندیشه آیت الله جوادی آملی بود. **مواد و روش ها:** کاربرد روش تجربی در تبیین مضامین قرآنی در دوره معاصر بعد از تحولات تفسیری معطوف به کوشش های سیدجمال الدین اسدآبادی، براساس زمینه های خاص و عام صورت پذیرفته است. این روش موافقان و مخالفانی دارد و هر دو دسته نیز برای خود دلایلی دارند.

یافته ها: آیت الله جوادی آملی از مفسرانی به شمار می رود که با روش تفسیر علمی متعارف، آنگونه که کسانی مانند طنطاوی و اسکندرانی به کار می برند موافقت ندارد. چنین می نماید ریشه اختلاف ایشان به روش تفسیری علمی معهود، به عواملی چند مربوط می شود: نخست تعریفی که ایشان از تفسیر علمی دارند و در مرحله بعد مبانی و قواعدی که برای تفسیر قرآن به خصوص در مورد آیاتی که ناظر به مسائل طبیعت و هستی شناختی است، مربوط است. این مقاله این موضوع را به روش توصیفی - تحلیلی مورد واکاوی قرار می دهد.

نتیجه گیری: برخی از نویسندگان اعجاز علمی قرآن را حمل بر تفسیر علمی دانسته اند درحالی که چنین تلقی صحیح و معتبر نمی باشد، اعجاز علمی تنها در تعداد انگشت شماری از سوره ها بشکل واضح آمده است که حتی نیازی به مفسر هم ندارد در حالی که تفسیر علمی یک رویکرد هست که با پیش دآوری نسبت به قرآن سعی در آشتی نشان دادن علوم جدید با آن دارد. بنابراین، تاکید جوادی آملی بر اعجاز علمی قرآن به معنای تفسیر علمی نیست و با آن تفاوت هایی ماهوی زیادی دارد.

واژه های کلیدی: تفسیر علمی، جوادی آملی، روش تفسیری، نقد روش تفسیر علمی

تاریخ دریافت: ۱۳۹۹/۰۶/۰۵

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۹/۰۸/۰۸

*نویسنده مسئول: saneipur@gmail.com

مقدمه

یکی از محورهای مورد بحث در مطالعات قرآنی و روش شناسی تفسیر در دوره ی معاصر، پرداختن به موضوع تفسیر علمی و واکاوی پیرامون روش آن است. اهمیت بررسی این مساله به ویژه با عنایت به پیشرفت های سترگ علم تجربی و طبیعی بیشتر قابل درک است. این روش تفسیری، موافقان و مخالفانی دارد، و هر کدام نیز در موافقت یا مخالفت با این روش تفسیری، دلایلی ارائه می کنند، بررسی این دلایل موضوعی است که در نوشته ها و آثار دیگر احتمالاً مورد بررسی قرار گرفته اما، آنچه مساله اصلی این پژوهش را تشکیل می دهد، رویکرد ویژه ی آیت الله جوادی آملی در بررسی روش تفسیر علمی است. این مفسر ضمن پذیرش کلیت دلایل مخالفان تفسیر علمی قرآن، تقریر و بیانی جدید را در این مخالفت به کار بسته که ظاهراً با تقریر دیگر مخالفان تمایزاتی دارد. این که چرا وی چنین تقریری داشته و نسبت آن با مبانی و قواعد تفسیری مورد قبول وی چیست موضوع بررسی این جستار است.

پیشینه پژوهش

گرچه کتاب های متعددی در ارتباط با تفسیر علمی و اعجاز علمی قرآن نوشته شده است، اما اثری که به تحلیل و نقد تفسیر علمی با محوریت مبانی، اصول و شیوه ها براساس اندیشه و نظریات آیت الله جوادی آملی باشد نگاشته نشده است. کتاب "درآمدی بر تفسیر علمی" نوشته محمدعلی رضایی اصفهانی کتابی در شناخت تفسیر علمی است، اما در نقد و بررسی روش تفسیر علمی؛ اولاً بصورت خاص و مستقل به تفاسیر معاصر نپرداخته است. کتاب "بررسی مکاتب و روشهای تفسیری" علی اکبر بابایی نیز کتابی است در معرفی جامع مکاتب و روشهای تفسیری اما به تفصیل به مبانی تفسیر علمی نپرداخته است. کتاب جریان شناسی تفسیر علمی و مقاله "مبانی اختصاصی تفسیر علمی از قرآن کریم" شادی نفیسی اصلاً متعرض اندیشه های معیار آیت الله جوادی آملی نشده است و البته مختصات اختصاصی تفسیر علمی معاصر نیز مدنظر ایشان نیست. باری جسته و گریخته آثاری هم به زبان عربی و فارسی موضوع تفسیر علمی را مورد بررسی قرار داده اند، اما دیدگاه مفسر معاصر و صاحب تسنیم به طور مستقل واکاوی نشده که این مقاله در حد توان خود به این موضع می پردازد.

دیدگاه های مختلف در تعریف تفسیر علمی

در مورد تفسیر علمی تعاریف متفاوتی مطرح شده است که حاکی از اختلاف نظرهایی در میان صاحب نظران در خصوص این روش تفسیری است. همین اختلاف نظر درباره مفهوم تفسیر علمی موجب موضع گیری های متفاوت در قبال این روش تفسیری شده است. امین الخولی در تعریف تفسیر علمی به استخراج همه علوم از قرآن و تحمیل نظریات بر آن اشاره می کند و آن را اینگونه تعریف می کند: «آن تفسیری است که طرفداران آن اقدام به استخراج همه ی علوم قدیم و جدید از قرآن می کنند و قرآن را میدان وسیعی از علوم فلسفی، انسانی، در زمینه پزشکی، کیهان شناسی و فنون مختلف... می دانند و اصطلاحات علمی را بر قرآن حاکم می کنند و می کوشند

می توان به معنای آیات قرآن کریم دست یافت، ایشان در تفسیر تیبانا لکل شی قرآن بیان می دارند: « یکی از صفات قرآن کریم: (تیبان کل شی ء) است: و نزلنا علیک الکتاب تیبانا لکل شی ء... (نحل: ۸۹) » کتابی که بیانگر همه علوم و معارف ضروری و سودمند برای بشر یا بیانگر همه حقایق جهان آفرینش است، در تبیین خود نیازی به غیر ندارد، بلکه در بیان خویش به خود متکی است و برخی از آیاتش با برخی دیگر تبیین و تفسیر می شود و گرنه کتابی که تیبان خود نباشد، چگونه می تواند تیبان هر چیز دیگر باشد؟ لازم است توجه شود: منظور از این که چون قرآن تیبان همه چیز است، تیبان خود نیز خواهد بود این نیست که چون هر آیه، تیبان همه چیز است، پس تیبان خود هم هست، بلکه مقصود آن است که مجموع قرآن تیبان همه چیز است، پس مجموع قرآن تیبان خود هم خواهد بود؛ بنابراین، کمبود هر آیه ای حتماً با آیه دیگر تأمین می شود و از جمع بندی نهایی همه آیات مناسب لفظی و معنوی با یکدیگر، معنای روشنی از آن ها به دست می آید. (۷) بدین سان ملاحظه می شود از منظر این مفسر شاهد و قرینه بودن برخی گزاره ها در علوم تجربی برای تفسیر و تبیین روشن تر آیات چیزی است و روش تفسیر تجربی آنگونه که برخی مفسران علمی بر آن پای می فشرند چیزی دیگر. از این جاست که می توان به راحتی مرز بین این دو نگاه را در کاربرد مسائل طبیعی به قرآن را به دست آورد.

تفسیر علمی از دیدگاه آیت الله جوادی آملی
آیت الله جوادی آملی قائل به تفصیل بین علوم قطعی و غیرقطعی در تفسیر علمی قرآن است، ایشان معتقد است، اگر ظاهر قرآن با علوم قطعی موافق باشد، می توان در تفسیر قرآن از آن مطلب علمی استفاده کرد، ولی اگر علوم ظنی باشد، مانند نظریه ها و تئوری های علمی، نمی توان از آن ها در تفسیر قرآن استفاده کرد؛ زیرا این نظریه ها در معرض تغییر و تبدیل هستند، ایشان بیان می دارند: «قطع به یک مبدأ تصدیقی اگر از سنخ یقین به مطلب عرفان نظری، فلسفی، کلامی، منطقی و ریاضی باشد، به طوری که ثبوت محمول برای موضوع به نحو ضروری و انفکاک آن از موضوع محال باشد، چنین قطعی مفید ضرورت است... اما اگر یقین به یک مبدأ تصدیقی از سنخ قطع به مطلبی تجربی بود، باید متفطن بود که اولاً قطع به مطلب آزمایشی دشوار است؛ چون استقرار تام صعب است و تحصیل قیاس خفی که باعث تحقق تجربه می شود و آن را از استقراء جدا می کند، مستصعب. بنابراین، به آسانی نمی توان به امری تجربی یقین منطقی حاصل کرد (۷).

آیت الله جوادی آملی با تحلیل و نگرشی نو از علم تجربی به نقد علم تجربی با مختصات کنونی پرداخته و آنرا بدلائل ذیل از اساس عیبناک می داند: ۱- بی توجهی به مبدأ و فرجام یعنی توجه به رابطه های علی و معلولی محدود در ماده و صورت یک پدیده می شود و حال آنکه از عنصر اصلی قانون علیت که علت فاعلی (خالق) و علت غایی (فرجام، معاد) هست غافلاند. ۲- نشان دادن طبیعت به جای خلقت که با تغییر نام گذاری و حذف فرهنگی نام شریف خلقت از سید معرفتی نظام هستی و تبدیل آن به طبیعت تغییر باوری صورت می گیرد و آن تغییر باور قطع ارتباط از مبدأ فاعلی است. ۳-

این علوم را استخراج کنند» (۱). ذهبی در تعریف تفسیر علمی می نویسد: «تفسیر علمی، آن تفسیری است که اصطلاحات علمی را بر عبارات قرآن حاکم می کند و تلاش می نماید علوم مختلف و نظریات فلسفی را از قرآن استخراج سازد» (۲). تعریف جامع و تقریباً بی طرفانه ای که عرضه شده است از آن احمد عمر ابو حجر در کتابش موسوم به «التفسیر العلمی للقرآن فی المیزان» است وی می گوید: تفسیر علمی تفسیری است که در آن مفسر می کوشد عبارات قرآنی را در پرتو حقایق ثابت علمی بفهمد و سری از اسرار اعجاز را کشف کند از آن جهت که عبارات قرآن معلومات علمی دقیقی را در بردارد که بشر در وقت نزول قرآن بدان آگاهی نداشته است. این حقیقت نشانگر آن است که قرآن از کلام بشر نیست، بلکه از جانب خداوند خالق القوی القدر است. (۳) فهد رومی نیز که به نظر برخی (۴) بهترین تعریف در باب تفسیر علمی است می نویسد: «مراد از تفسیر علمی کوشش مفسر در کشف ارتباط بین آیات هستی شناختی قرآن و اکتشافات علم تجربی، به گونه ای که اعجاز قرآن آشکار شود» (۵). عبدالرحمن العک تفسیر علمی را بگونه ای تعریف می کند که استخراج و تحمیل نظریات بر قرآن تا حدودی دور شده وی تفسیر علمی را اینگونه تعریف می کند: «این تفسیر در اصل برای شرح و توضیح اشارات قرآنی است که به عظمت آفرینش الهی و تدبیر بزرگ و تقدیر او اشاره دارد» (۶).

نقد آیت الله جوادی آملی بر تعاریف تفسیر علمی متعارف
آیت الله جوادی آملی با انقاد از این مساله که برای فهم آیات قرآن می توان از سایر علوم امداد گرفت بر این اعتقاد است که براهین قطعی علمی و شواهد طمانینه بخش تجربی را در حد شاهد، قرینه و زمینه برای درک خصوص مطالب مربوط به بخش های تجربی، تاریخی و مانند آن وجود دو عامل علوم پایه موثر در فهم و ضمیر پاک را نیاز اصلی برای بهره مندی از ظواهر آیات می داند و می نویسد: «روشن است که چنین علومی را یارای مدد رسانی در فهم بهتر قرآن نیست به ویژه آنکه قرآن کریم هم در اصل حجیت و هم در تبیین خطوط کلی معارف دین مستقل است؛ یعنی حجیت آن ذاتی است و با خود تفسیر می پذیرد؛ گر چه اندیشه های بیرونی به عنوان مبدأ قابل فهم قرآن سهیم است. مخاطبان قرآن برای بهره گیری از ظواهر قرآن به سرمایه ای فراتر از علوم پایه مؤثر در فهم قرآن و ضمیری که به تیرگی گناه آلوده نباشد نیاز ندارند» (۷). ایشان یافته های علمی را در صورت مسلم بودن تنها بعنوان قرینه و زمینه درک آموزه های وحیانی آن هم صرفاً در محدوده خود بشمار می آورند و بیان می دارند: «ره آورد علم را نمی توان بر قرآن تحمیل کرد، لیکن براهین قطعی علمی یا شواهد طمانینه بخش تجربی، تاریخی، هنری و مانند آن را می توان حامل معارف و معانی قرآن قرارداد، به طوری که در حد شاهد، قرینه و زمینه برای درک خصوص مطالب مربوط به بخش های تجربی، تاریخی و مانند آن باشد، نه خارج از آن. (۷). آیت الله جوادی آملی با استناد به آیه ۷ سوره ی نحل در مورد تبیین آیات قرآن کریم بوسیله سایر علوم معتقد است کتابی که بیانگر همه علوم است در تبیین خود نیازی به غیر ندارد و از جمع بندی نهایی همه آیات مناسب لفظی و معنوی

اکتفا به مطالعه لاشه طبیعت و به‌جای بررسی خلقت که همان طبیعت زنده و پویای متصل به مبدأ هستی‌بخش است با قطع ارتباط خلقت با خالق فقط محدود در مطالعه لاشه طبیعت شده‌اند؛ زیرا بدیهی است شرط زنده‌بودن طبیعت اتصال آن به خالق است ۴- پنداشتن زایش و تولید علم از خود، نه بخشش خدا به این بیان که دانشمند علم تجربی همان‌گونه که از مخلوق بودن مورد مطالعه غافل است از مخلوق بودن خود نیز غافل است که هم اصل وجودش و هم هوش و ذکاوت و تحلیلش و هم توفیق بر فرجام یافتن پژوهشش از آن خالق است نه از خودش (۷)

ایشان بعد از ذکر و تبیین کاستی‌های علوم تجربی با مختصات کنونی به منظور کارایی آن در کمک به کشف بهتر از آیات مرتبط با خلقت، تغییر نگرش اساسی به علم تجربی را لازم می‌داند و این تغییر نگرش را مشروط به رعایت اصول هشتمین ذیل می‌داند: «۱- بازگشت طبیعت به دامان خلقت ۲- لحاظ خالق و مبدأ فاعلی ۳- لحاظ غایت و هدف خلقت (آیه ۲۵ و ۳ حدید) ۴- استمداد از تحلیل‌های عقلی و همچنین نقلی و پرهیز از حسبنا العقل و حسبنا النقل ۵- محور شدن دلیل معتبر تجربی (از عیوب فوق عاری باشد) و عقلی ۶- تفسیر هر جزئی از خلقت با در نظر گرفتن جز دیگر ضمن درک صحیح نظام داخلی هستی نظام فاعلی و آفریننده آن را و نظام غایی و آفرینش آن نیز در تفسیر خود لحاظ نماید. ۷- در کنار تقسیم علوم به لحاظ روش و موضوعات به تقسیم آن‌ها به لحاظ معلم نیز توجه شود... ۸- ایمان راسخ و باور عمیق به راه نداشتن بطلان به اینکه نه در نظام هستی و نه در مضامین قرآن کریم باطل راه ندارد» (۷).

تحلیل دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی در تفسیر برخی از آیات مورد استناد در تفاسیر علمی

تفاوت دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی با سایر مفسرین تفسیر علمی که ناشی از تعریف ایشان از تفسیر علمی و مبانی و قواعدی است که برای تفسیر قرآن به خصوص در مورد آیاتی که ناظر به مسائل طبیعت و هستی‌شناختی است، برای بیان وجه تمایز دیدگاه آیت‌الله جوادی آملی با برخی مفسرین تفاسیر علمی به پنج نمونه از آیات اشاره می‌گردد:

آیه اول: «هُوَ الَّذِي خَلَقَكُمْ مِنْ نَفْسٍ وَاحِدَةٍ وَجَعَلَ مِنْهَا زَوْجَهَا» (اعراف: ۱۸۹)

برخی با هدف خدمت به قرآن و نشان دادن برتری آن بر سایر کتب و بیان جنبه‌های اعجازی قرآن به تفسیر و تطبیق آیات براساس یافته‌های علمی روی آورده‌اند که این اقدام با هیچ یک از معیارهای تفسیری قابل توجیه نیست، عبدالرزاق نوفل کلمه نفس در آیه ۱۸۹ سوره اعراف را، به معنای پروتون و الکترون معنی کرده و چنین می‌نویسد: «منظور قرآن، این است که همه شما را از پروتون و الکترون که اجزای مثبت و منفی اتم است آفریدیم» (۸) ایشان ذیل این آیه می‌نویسد: «آیا این‌ها همان پروتون‌ها و الکترون‌ها نیستند که مثبت و منفی هستند؛ یعنی نفس واحد» طنطاوی نیز به تفسیر علمی از این آیه پرداخته و در ذیل آن به زوجیت گیاهان پرداخته است (۸) او در سراسر تفسیرش می‌کوشد همگامی قرآن را با علوم روز اثبات کند و بدین‌وسیله اندیشه دینی را نوسازی کند. به عقیده علامه

طباطبایی «این‌گونه تفسیر علمی در یک قرن اخیر در مصر و ایران رایج شد و موجب بدبینی بعضی دانشمندان مسلمان نسبت به مطلق علمی گردید و یکسره تفسیر علمی را به‌عنوان تفسیر به رأی و تحمیل نظریه‌ها و عقاید بر قرآن طرد کردند» (۸). آیت‌الله جوادی آملی ضمن رد تفسیر علمی آیه فوق، در ذیل آن بخصوص در مورد نفس واحد چنین اشاره می‌کند: «منظور از نفس واحد همان حقیقت واحد و گوهر واحد است؛ یعنی مبدأ قابل همه شما انسان‌ها یک حقیقت است و در این امر هیچ فرقی بین زن و مرد نیست؛ چنان‌که هیچ امتیازی بین انسان اولی و غیر اولی نیست و این‌گونه از تعبیرها همانند تعبیر به بنی‌آدم است که شامل همه انسان‌ها حتی حضرت آدم (ع) نیز خواهد شد (۷). ملاحظه می‌شود که آیت‌الله جوادی آملی از این آیه به‌هیچ‌عنوان تفسیر علمی بر مبنای روش تفسیر برخی مفسران علمی نمی‌کند، بلکه به کنکاش در مورد آیه و روایات صحیح در مورد آن می‌پردازد و در جای دیگر اشاره می‌کند که خلقت زن و مرد از یک اصل اند: «بنابر مبنای فوق مفاد آیه مزبور اولاً این است که همه انسان‌ها از هر صنف، خواه زن خواه مرد زیرا؛ کلمه ناس شامل همگان می‌شود از یک ذات و گوهر خلق‌شده‌اند و مبدأ قابل آفرینش همه افراد یک چیز است، و ثانیاً اولین زن که همسر اولین مرد است او هم از همان ذات و گوهر عینی آفریده‌شده، نه از گوهر دیگر و نه فرع بر مرد و زائد بر او و طفیلی وی، بلکه خداوند اولین زن را از همان ذات واصلی آفریده است که همه مردها و زن‌ها را از همان اصل خلق کرده است (۷). در این جا تاکید باید کرد که ایشان در مقام تفسیر آیه به تبعیت از سنت سلف خویش-علامه طباطبایی- به ظاهر قرآن در گام اول و مفاد برگرفته از معنای اولیه به عنوان یک مبنای تفسیری توجه کرده است. این همان نکته ای است که پیش از این اشاره شد که تفسیر بر اساس مبانی خاص مفسر، روش او را از دیگر مفسران علمی - بی توجه به این مبنا - جدا می‌کند.

باید اذعان نمود که آیت‌الله جوادی آملی تعریفی که از علم دارد بسیار متفاوت از تعریف رایج آن است چرا که علوم جدید اشاره ای به علت غایی یا فاعلی پدیده‌ها نمی‌کند، بلکه صرفاً بر علت مادی پافشاری می‌کند؛ نفس واحد در آیه فوق با تفسیر علمی نوعی برداشت مادی محسوب می‌شود و نمی‌تواند مورد پذیرش دیدگاه جوادی آملی باشد. ایشان اساساً علوم جدید را تا زمانی که بی اعتنا به علت غایی یا فاعلی باشند علم نمی‌داند و نوعی فرضیه قلمداد می‌کنند و این تعریف فرضیه با تعریف رایج علمی آن بعنوان گزاره‌های آزمایش‌نشده بسیار متفاوت است. این دیدگاه از جهان بینی خاص آیت‌الله جوادی آملی ناشی می‌شود که در مفسران دیگر دیده نمی‌شود. وی که از موافقان علم دینی است، معتقد است «علم اگر علم باشد؛ نه وهم و خیال و فرضیه محض، هرگز غیراسلامی نمی‌شود. علمی که اوراق کتاب تکوین الهی را ورق می‌زند و پرده از اسرار و رموز آن برمی‌دارد به ناچار اسلامی و دینی است و معنا ندارد که آن را به دینی و غیردینی و اسلامی و غیراسلامی تقسیم کنیم» (۷).

آیه دوم: «وَالشَّمْسُ تَجْرِي لِمُسْتَقَرٍّ لَهَا» (یس: ۳۸)

از دیرباز بین مفسرین درباره‌ی نوع حرکت خورشید به دور زمین و بلعکس اختلاف نظر وجود داشته و هر کدام از مفسرین متأثر از

یافته های علمی عصر خود به بیان دیدگاه ها پرداخته و در مورد آیات مربوطه اظهار نظر نموده اند، اوبلاکر در مورد این آیه می نویسد: «وقتی صدر اسلام نازل شد مردم همین حرکت حسی و روزمره خورشید را می دانستند، درحالی که حرکت خورشید، از مشرق به مغرب کاذب است. زمین در حرکت است. از این رو ما خورشید را متحرک می بینیم. همان طور که شخص سوار بر قطار، خانه های کنار جاده را در حرکت می بیند. با پیشرفت علوم بشری و کشف حرکت زمین و خورشید، روشن شد که خورشید هم خود دارای حرکت انتقالی است - نه حرکت کاذب، بلکه واقعی و نه تنها خورشید بلکه تمام منظومه شمسی و حتی کهکشان راه شیری، در حرکت است. (۹). پس می گوئیم اگر به طور قطعی اثبات شد که خورشید در حرکت است و ظاهر آیه قرآن هم می گوید که خورشید در جریان است، پس منظور قرآن حرکت واقعی، حرکت انتقالی خورشید است. علاوه بر آن، قرآن از «جریان» خورشید سخن می گوید نه حرکت آن و در علوم جدید کیهان شناسی بیان شده که خورشید حالت گازی شکل دارد که در اثر انفجارت هسته ای مرتب زیرو رو می شود (همان). طنطاوی در تفسیر الجواهر پس از ذکر مقدمه ای در انواع حرکات، آیه بالا را بر حرکت خورشید و مجموعه همراه او به دور یک ستاره (کوکب) حمل می کند (۱۰).

برخی دیگر از نویسندگان از جمله عبدالرزاق نوفل همین حرکت دورانی را به آیات قرآن نسبت داده اند. (۱۱) اسکندرانی کلمه «تجری» را اشاره به حرکت انتقالی خورشید می داند. (۱۳). آیت الله جوادی آملی برخلاف تفسیرهای علمی بیان شده برای آیه با نگاهی متفاوت از دیگر مفسران علمی با توجه دادن مخاطب به علت فاعلی و غایی پدیده در تفسیر آن آورده است که «کشتی در دریا با مصاحبت امر خدا جاری است و یا به معنای ملابست است، یعنی جریان کشتی در پوشش امر خداست، نه این که بر اساس تفویض، امر شما حاکم باشد پس نظام جهان از طرف خدای سبحان اندازه گیری شده و بی نظمی به دست احدی در عالم واقع نمی شود: لا الشمس یبغی لها أن تدرک القمر ولا اللیل سابق النهار وکل فی فلک یسبحون. غرض آن که، دو عنصر محوری را در همه شئون باید حفظ کرد: یکی استقرار نظم علی و معلولی و دیگری حصر ناظم در اراده الهی» (۷). در جای دیگر ایشان گردش خورشید را تقدیر خداوند می داند و اشاره می کند که: «یعنی خورشید بر مدار معین خود بی هیچ اختلافی در گردش است و این تقدیر خداوند عزیز داناست؛ و هر ماه را در منازل معین و اندازه مشخص تقدیر نمودیم تا آن که هلال ماه همچون شاخه نازک خرما دیگر بار به منزل اول بازمی گردد. نه خورشید را شاید که به ماه رسد و نه شب را امکان آن است که بر روز پیشی گیرد و هر یک در مدار خاص خود در حرکت است. در این آیات نیز سخن از هر دو شناخت همراه با یکدیگر به میان آمده است (۷). به نظر آیت الله جوادی آملی: «در سوره «فاطر» تنها سخن از معرفت برتری است که از نوع نگاه به نظام کیهانی حاصل می شود: *إِنَّ اللَّهَ يُمْسِكُ السَّمَاوَاتِ وَالْأَرْضَ أَنْ تَزُولَا وَلَئِن زَالَتَا إِنْ أَمْسَكَهُمَا مِنْ أَحَدٍ مِنْ بَعْدِهِ إِنَّهُ كَانَ حَلِيمًا غَفُورًا* یعنی قطعاً خداوند آسمان و زمین را از نابودی بازمی دارد و اگر آسمان و زمین روی به زوال نهند جز خداوند کسی آن ها را محال است نگه بدارد» (همان)

آیه سوم: *يَوْمَ تَشْهَدُ عَلَيْهِمْ أَلْسِنَتُهُمْ وَأَيْدِيهِمْ وَأَرْجُلُهُمْ بِمَا كَانُوا يَعْمَلُونَ* (نور: ۲۴)

برخی از مفسرین علمی معاصر با هدف دفاع از عظمت و اعجاز قرآن کریم، به تفسیر علمی برخی از آیات پرداخته، آنان منظور از شهادت دست و پا را به اثر انگشت و اثر پا تلقی نموده و اشاره قرآن کریم در چهارده قرن گذشته به این موضوع را یکی از معجزات و غرایب قرآن بشمار آورده اند، حال آنکه مفسرانی مانند علامه طباطبایی و آیت الله جوادی آملی شهادت دست و پا را مربوط به شهادت اعضای بدن در قیامت تفسیر می کنند، یکی از مفسرینی که شهادت دست و پا را به اثر انگشت و اثر پا تفسیر نموده طنطاوی است وی در ذیل آیه ۲۴ سوره ی نور آورده است: «این استدلال به اثر پا (رد پا) و اثر انگشت که امروز ثابت شده است و این صریح قرآن است... و این مطالب را قرآن فرموده تا ما را آگاه کند که در دست ها و پاها اسراری است و دست ها و پاها باهم اشتباه نمی شود، بنابراین بر قاتلان و دزدان برطبق آثار آن ها حکم کنید... و این معجزات قرآن و غرایب اوست، اگر نه چگونه این مسئله ای که بعد از هزار سال اثبات شده، در قرآن به طور صریح آمده است (۱۰). از جمله مفسرانی که موافق نظر طنطاوی نیستند علامه طباطبایی است. ایشان آیه را به گونه ای تفسیر می کند که هیچ اشاره ای به تفسیر علمی ندارد و در تفسیر آن آورده است که: «مراد از جمله «بما كانوا يعملون» به مقتضای اطلاقی که دارد مطلق اعمال زشت است» (۸). آیت الله جوادی آملی نیز ضمن رد تفسیر طنطاوی، شهادت اعضای بدن را مربوط به قیامت می داند و چنین بیان می کند: «اعضا و جوارح انسان به عنوان شاهد مباشر به حساب می آیند و در صحنه قیامت به ادای شهادت می پردازند و روزی که زبان ها، دست ها و پاهایشان بر رفتارشان گواهی دهند (۷). ایشان در تایید نظر خود به روایتی از امیرمؤمنان (علیه السلام) اشاره می کند که در آن امام (علیه السلام) می فرماید: «مهر بر دهان ها گذاشته می شود پس سخن نمی گویند و دست ها به سخن آیند، پاها شهادت دهند، پوست بدن ها به سخن آیند و درباره کردار آنان گواهی دهند و هیچ سخنی از خدا پوشیده نخواهد ماند آن حضرت در حدیث دیگری می فرماید: پس

از آن که مهر بر دهانشان زده شد و دست‌ها، پاها و پوست بدن‌هایشان علیه آنان شهادت دادند و هر کدام هر معصیتی کرده بودند بازگفتند، مهر از دهانشان بردارند. در این هنگام زبان‌شان به سخن آید و با شگفتی به پوست بدنشان گوید: (لم شهدتم علينا قالوا أنطقنا الله الذي أنطق كل شيء)؛ شما دیگر چرا علیه ما شهادت دادید؟! پوست بدن گوید: خدایی که هر چیزی را گویا کرد ما را نیز به نطق آورد (۷) آیت الله جوادی آملی در ذیل آیه فوق بدون هیچگونه تعرضی به تفاسیر علمی که شهادت دست را به اثر انگشت تفسیر نموده اند، شهادت اعضای بدن را به مساله ی معاد و شهادت دادن اعضا و جوارح مرتبط می داند و در واقع ایشان نه تنها از آیه برداشت علمی نمی کنند، بلکه اشارات قرآن را چیزی فراتر از داده‌های علمی تجربی تلقی می کنند. آیت الله جوادی آملی در این نگاه تفسیری به روایت - البته روایت استوار که هم دارای صحت سند و هم بی اشکال از نظر محتوا - استناد و از آن در مقام تفسیر آیه بهره می گیرد و این هم خود به مبنای تفسیری او راجع می شود که مادام که گفته معصوم در تفسیر آیه ای رسیده بر هر تفسیر دیگری فضل تقدم و تقدم فضل دارد.

آیه چهارم: رَفَعِ السَّمَاوَاتِ بِغَيْرِ عَمَدٍ تَرَوْنَهَا (رعد: ۲)

طنطاوی در ذیل آیه فوق منظور از ستون های آسمان را نیروی جاذبه زمین می داند که ده ها قرن بعد از نزول قرآن کشف شده است و این یکی از دست آوردهای علم است که توانسته است آیات قرآن را توضیح و تفسیر نماید وی در تفسیر این آیات آورده است که: «در آسمان‌ها ستون‌هایی است ولی شما آن‌ها را نمی بینید؛ که این مطلب اشاره روشنی به نیروی جاذبه است که ده قرن بعد از نزول قرآن بر اساس نقل مشهور توسط نیوتن کشف شد» (۱۰).

آیت الله جوادی آملی این آیات را ضمن داشتن جنبه هدایتی، جنبه علمی نیز تلقی می کند و چنین نقل می کنند که «حسین بن خالد» گوید: از امام رضا (علیه السلام) درباره این آیه سؤال کردم: والسماء ذات الحجب (ذاریات/ ۷) فرمود: آسمان و زمین در هم شبکه شده است و انگشتان دستان خویش را در هم داخل کرد. گفتم: چگونه آسمان و زمین در هم شبکه شده است (و همدیگر را نگه داشته اند) و حال آن که خداوند می فرماید: (...رفع السموات بغير عمد ترونها...) فرمود: منزّه است خدا (سبحان الله)، آیا نمی فرماید: (بغير عمد ترونها)؟ گفتم: چرا. فرمود: پس ستونی وجود دارد، ولی شما آن را نمی بینید (۷). ملاحظه می کنیم در این جا هم مفسر ما، به استناد سخن معصوم راهی متمایز را از برخی مفسران علمی معاصر در تفسیر آیه می پیماید و این دقیقاً ناشی از مبنای متفاوت ایشان در تفسیر قرآن به طور اعم و آیات ناظر بر مسائل طبیعی به طور اخص، با سایر مفسران علمی است.

با توجه به شرح مبسوطی که آیت الله جوادی آملی راجع به پیشینه و معادلات نیروی جاذبه زمین بیان می کند و آن را از نمونه های اعجاز علمی قرآن قلمداد می نماید. ولی در پایان متذکر می گردد «مادامی که قانون جاذبه و مانند آن در مدار اصل علیت و نیز در محور حصر در نیاید، جزم علمی به این که علت، اصل جاذبه است و این که علت منحصر نیز همین جاذبه است، حاصل نخواهد شد». (۷) علی رغم اینکه آیت الله جوادی آملی این آیه را در کشف برخی

مجهولات مفید می داند و آن را جزو اعجاز علمی قرآن تلقی می کند که پیشتر از کشف قانون جاذبه توسط قرآن بیان شده است. لکن باید دقت داشت احتمال دلالت فوق بر نیروی جاذبه قوی است، ولی معنای آیات فوق منحصر در نیروی جاذبه نیست، بلکه نیروی جاذبه می تواند یکی از مصادیق «عمد» (ستون‌ها) باشد. همانگونه که صاحب تسنیم نیز از این آیه به نیروی جاذبه به عنوان اصل قطعی برداشت نمی کند، بلکه نیروی جاذبه را به عنوان یک فرضیه و گمان باورپذیر برای این در نظر می گیرد و احتمال می رود که منظور قرآن نیروی جاذبه نبوده است. آیت الله جوادی آملی در مورد علم قطعی و ویژگی بارز آن چنین اشاره می کند: «ما هرگز فیزیک و شیمی غیراسلامی نداریم. علم اگر علم است نمی تواند غیراسلامی باشد؛ زیرا علم صایب، تفسیر خلقت و فعل الهی است و تبیین کار خدا به حتم اسلامی است، گرچه فهمنده این حقیقت را در نیابد و خلقت خدا را طبیعت بیندارد. اینان [= کفار] بخشی از حقیقت را می گیرند و بخشی از آن یعنی ارتباط طبیعت با خداوند و مبدأ تعالی را انکار می کنند. کنار گذاشتن بخشی از حقیقت، مانع از آن نیست که بخش مثمر و مثبت آن، که علم صایب و مطابق با واقع است، مطرود شود. آنچه علم صحیح و ثمربخش است قطعاً اسلامی و حجت شرعی است و آن دسته از محتوای علوم که وهم است و خیال، در واقع جهل مرکب است و علم نیست تا سخن از اسلامی بودن یا غیراسلامی بودن علوم شامل حال آن شود» (۷).

آیه پنجم: بَلَى قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نَسُوًّا بَنَانَهُ (قیامت: ۴)

درباره تفسیر آیه ۴ سوره قیامت نظرات متفاوتی از سوی صاحب نظران بیان شده، که هر کدام به نوعی در صدد توجیه نظرات خود برآمده و برخی نیز تلاش نموده اند از این آیه در اثبات اعجاز علمی قرآن استفاده نماید، آیت الله جوادی آملی با رد اینگونه نظرات آیه فوق را پاسخ خداوند به شبهه علمی منکرین قیامت و قدرت لایزال الهی در بعث انسان دانسته است. زمخشری مفسر بزرگ اهل سنت در تفسیر کشف می نویسد: «مراد از تسویه بنان این است که خداوند انگشتان دست‌ها و پاها را شیء واحد می کند، بدون این که از هم جدا باشند همان طور که دست و پای شتر و الاغ را چنین کرد. آن وقت دیگر انسان نمی تواند کارهای گوناگونی را که با داشتن انگشتان انجام می داده انجام دهد (۱۳). آوسی ذیل آیه فوق در تفسیرش چنین می نویسد: «علت ذکر انحصاری بنان جز با پیشرفت علوم آشکار نشد، انگشتان خطوطی دارند که از چهارماهگی جنین به وجود می آیند و برای همیشه ثابت و منحصر به فرد باقی می ماند (۱۴). طنطاوی مفسر مشهور مصری با هدف اثبات اعجاز علمی قرآن از این آیه می نویسد: «وقتی از یک دانشمند آلمانی در مورد علت تشرف وی به دین اسلام سؤال شد، اظهار داشت که منحصر به فرد بودن نقوش سرانگشتان هر کس و تفاوت آن با اشخاص دیگر از کشفیات علمی قرن ۱۹ است. ولی قرآن کریم ۱۲ قرن پیش که دانشمندان اروپایی در این مورد اطلاعاتی نداشتند - چه رسد به اعراب دوران جاهلیت - به این واقعیت اشاره کرده است. پس به طور یقین، قرآن کلام خداست و نه کلام بشر و همین امر موجب ایمان من به اعجاز قرآن و تشرف به دین اسلام گردید» (۱۰). آیت الله جوادی آملی بدون اشاره به وجوه بیان شده درباره ی این آیه، از آن

عنوان تفسیر علمی معهود و متعارف نزد مفسران این روش تفسیر علمی مطرح است، یکسر متفاوت است. از نظرگاه ایشان آنچه مبنای اساسی در تفسیر علم و بویژه آیات ناظر بر مقولات پدیده های طبیعی مطرح است خود قرآن است. این در حالی است که علم با توجه به ماهیت آن چنین صلاحیتی برای تفسیر آیات قرآن را ندارد. ایشان معتقدند که بیشتر گزاره های علوم تجربی با اینکه در قالب فرضیه های صحیحی مطرح می شوند، لکن ارزش معرفت شناختی آنان از حد ظن فراتر نمی روند. چراکه ایشان اعتقاد دارند که قرآن کتاب هدایت انسان است. قرآن برای تحقق این هدف اساسی، درصدد ایجاد جهان بینی خاص، نظام خاص و جامعه ای خاص هست. درصدد ایجاد اُمت جدیدی بر روی زمین است که نقش ویژه خود را در رهبری بشریت به سوی شاهراه حق و خیر و فضیلت بر عهده گرفته و نمونه ی معینی از جامعه ی انسانی را که در مکتب ها و نظام های بشری تکرار نشده است، پدیدار گرداند. تحلیل دیدگاه ایشان مبتنی بر آگاهی از جایگاه معرفت شناسی به طور اعم و معرفت شناسی قرآن به طور اخص است. بحث از معرفت شناسی مجالی وسیع می طلبد که از حوصله این مقال فراتر است اما آنچه ایشان در نسبت بین قرآن و علم به آن تاکید دارند این نکته است که آموزه های وحیانی به دلیل منشا آن که از سوی خداوند حکیم علی الطلاق و دانای مطلق صادر شده از جنس یقین و علم قطعی است ولی تفسیر پدیده های طبیعی از سوی دانشمندان صورت می گیرد که دانش آنان مبتنی بر فرضیات غیر قطعی و موقتی و از جنس ظنون است. بدین سان بر اساس این نگاه کلی و با توجه به شواهد بدست آمده، عدم اقبال ایشان در مواجهه با تفسیر علمی این است که آیات قرآن را نباید با علوم متزلزل و غیرقطعی تفسیر کرد؛ زیرا بعد از مدتی با تغییر نظریه ها، مردم در مورد بیانات قرآنی شک می کنند و ایمان آنان متزلزل می شود؛ البته این نکته را نباید از نظر دور داشت که بسیاری از کسانی که با تفسیر علمی مواجه شده و نسبت به آن دید انتقادی دارند نوع مقابله و انتقادشان نسبت به این روش همین است، لذا سخنان ایشان ریشه در نقد کسانی همچون علامه طباطبایی و یا قبل از آن امین خولی و به طور کلی همه مخالفانی که در جبهه مخالفت با تفسیر علمی قرار دارند، بر می گردد. کسانی که بدون داشتن شرایط یک مفسر و داشتن تخصص کافی در زمینه ی قرآن و قواعد تفسیر، اقدام به تفسیر آیات علمی قرآن می کنند کارشان در بسیاری موارد به تفسیر به رأی منجر می شود.

آیت الله جوادی آملی در تفسیر آیات علمی قرآن هر چند به صورت تلویحی به اعجاز علمی قرآن اشاره می کند، اما پیوسته همه علوم را برگرفته از قرآن دانسته و بر این باورند که علوم غیردینی وجود ندارد؛ به عبارت دیگر منشأ همه علوم اسلامی قرآن است و جامعیت و جاودانگی این کتاب مقدس و هم چنین تصریحات ائمه اطهار علیهم السلام از جهت دیگر مؤیدی بر وجود اعجاز علمی در قرآن است. نویسنده تسنیم در بخش های دیگر از گفتارهای خویش ملاک ها و معیارهایی در این زمینه برمی شمرد؛ از جمله اینکه هر بافته علمی را قبل از اینکه به یافته علمی تبدیل نگردد نمی توان به قرآن نسبت داد چون این علوم در معرض تغییرند و سیر افقی دارند؛ و این مسئله فرضیه بودن بسیاری از گزاره های علوم تجربی را بر

در اثبات معاد و پاسخ به منکرین قیامت و گرفتاران شبهه فکری و مشکل علمی و شهوت عملی استفاده می کند و می نویسد: «قرآن کریم در این باره که منکران قیامت یا گرفتار شبهه فکری و مشکل علمی هستند یا مبتلا به شهوت عملی و در پی ارضای آن، چنین می فرماید: *أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ. آیه نخست، بازگوکننده شبهه علمی منکران قیامت است. پاسخ این شبهه در آیه دوم چنین آمده: خدای سبحان قادر است خطوط بسیار ریز و دقیق و ظریف سرانگشتان را تسویه و بازسازی کند، چه رسد به استخوان ها: بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ. آیه سوم بازگوکننده شهوت عملی است، زیرا تردید درباره قیامت گاهی ناشی از اشکال علمی نیست، بلکه از آن روست که شخص تبهکار خواهان فحور عملی است و می خواهد در این میدان چیزی جلوگیر او نباشد: (بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ). اعتقاد به معاد و قیامت، جلو انسان را سد می کند و نمی گذارد او هر کاری را انجام دهد» (۷). ایشان همچنین در توضیح این آیات آورده است که: «خدای حکیم راجع به برخی از منکران معاد که صحنه حساب، سنجش دقیق عقاید، اخلاق و اعمال فقهی و حقوقی است می فرماید: *(أَيَحْسَبُ الْإِنْسَانُ أَلَّنْ نَجْمَعَ عِظَامَهُ بَلَىٰ قَادِرِينَ عَلَىٰ أَنْ نُسَوِّيَ بَنَانَهُ بَلْ يُرِيدُ الْإِنْسَانُ لِيَفْجُرَ أَمَامَهُ). وی شبهه علمی ندارد، زیرا خداوندی که قادر مطلق است و اشیا را بی سبق چیزی به عنوان نوآوری پدید آورده است یقیناً قادر است خطوط ریز، ظریف و دقیق سرانگشت هر کسی را با همان خصوصیت پیشین اعاده کند، بلکه چنین شخصی شهوت عملی دارد، زیرا می خواهد جلوی او باز باشد و هیچ قانونی پیش روی او نباشد که مانع تجاوز و طغیان وی گردد و این همان ولنگاری و رهایی مذموم است (۷). آیت الله جوادی با تاکید بر معرفت قطعی و یقینی در هندسه معرفت دینی جایگاهی برای علم موجود که مبتنی بر فرضیات است قائل نیستند و در این زمینه می نویسند: «همه معارفی که بشر به آنها رسیده است صواب و مطابق با واقع نیست، بنابراین آنچه برخی در تحلیل دانش و معرفت می پندارند و همه علمها را به فرضیه برمی گردانند و با تأکید بر نسبی گرایی حقیقت را توزیع می کنند و با مصالحه، هر فرضیه و ایده ای را بهره مند از قدری از حقیقت می دانند در تقابل با مبنای درست قرار می گیرد، زیرا نه واقع نسبی است و نه معرفت، پس آنچه در درون هندسه معرفت دینی قرار می گیرد باید معرفت قطعی و یقینی باشد یا علم اطمینان آور، از این رو تصویری که علم موجود را یک سری فرضیات اثبات ناپذیر می پندارد و یا با تأکید بر نسبی گرایی معرفت و علم مطلق را دور از دسترس بشر می داند، نمی تواند در این تحلیل که علم را همگام با ادله معتبر نقلی، از منابع معرفت دینی می دانیم جایگاهی داشته باشد.» (۷)**

نتیجه گیری

از بطن مستندات مقاله استنتاج می شود که تفسیر علمی مورد توافق آیت الله جوادی آملی نیست؛ براساس آنچه در توصیف و تبیین تفسیر علمی از منظر آیت الله جوادی آملی گفته شد می توان گفت نگاه ایشان در باب تفسیر علمی با توجه به مبانی تفسیری و قواعدی که در فرآیند فهم آیات الهی به کار می گیرد یکسره با آنچه که به

References

1. Al-Kholi, Amin, *Renewal Methods; [Bija]: [Bi Na], [Bi Ta]*.
2. Zahabi, Mohammad Hussein (2002 AH), *Tafsir and the commentators*, Cairo: Dar al-Kitab al-Diniya.
3. Abu Hajar, Ahmad Umar (1991 AH), *the scientific interpretation of the Qur'an in Al-Mizan*, Beirut: Darqibah.
4. Rafiei Mohammadi, Nasser (2007), *The process of compiling and evolving the scientific interpretation of the Qur'an*, Qom: Publications of the World Center of Islamic Sciences
5. Rumi, Fahd Ibn Abd al-Rahman (1986 AH), *Interpretations of Tafsir in the Fourteenth Century*, Saudi Arabia
6. Abdul Rahman Al-Aq, Sheikh Khalid (1993 AH), *Principles of Interpretation and Rules; Third Edition*, Beirut: Dar Al-Nifais.
7. Javadi Amoli, Abdullah (2009), *Tafsir Tasnim*, Qom: Asri Publishing.
8. Tabatabai, Mohammad Hussein (2018 AH), *Al-Mizan Fi Tafsir Al-Quran*, Tehran: Islamic Library.
9. Oblacker, Eric (1991), *Modern Physics*, translated by Behrouz Beizawi, Tehran: Ghadyani Publications.
10. Tantawi Johari (Bi Ta), *Al-Jawahir Fi Tafsir Al-Quran*, Bija, Dar Al-Fikr.
11. Nawfal, Abdul Razzaq (2014 AH), *Quran and the Science of Hadith*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
12. Alexandria, Muhammad ibn Ahmad (1986 AH), *discovering the Mysteries of Enlightenment, which is related to the heavenly deeds*, Egypt: Al-Wahbiyah Printing Press.
13. Zamakhshari Mahmoud (1986 AH), *Al-Kashaf a Haqeeq Ghavamd Al-Tanzil*, Beirut: Dar Al-Kitab Al-Arabi.
14. Alusi, Mahmoud (1994 AH), *The Spirit of Meanings in the Interpretation of the Great Qur'an*, Beirut: Dar al-Kitab al-Almiya.

ملا می‌کند، در حقیقت غیرقطعی بودن گزاره‌های تجربی، دشواره ای برای مفسران علمی محسوب می‌شود، گرچه جوادی آملی به‌صورت مستقل به این بحث نپرداخته‌اند، لکن از خلال مباحث ایشان به دست می‌آید که بسیاری از دیدگاه‌های رایج در علوم تجربی قطعی نبوده و به‌صورت فرضیه‌های احتمالی مطرح شده‌اند و نه قدرت تعارض دین را دارند و نه قدرت تفسیر قرآن را. به دیگر سخن از نظرگاه ایشان وقتی پای فرضیه ای در میان باشد، فرضیه ای که احتمالاً در آینده متزلزل خواهد شد چگونه توان تفسیر یا تبیین آموزه وحیانی را داشته باشد که منشا صدور آن از سوی خداوندی است که علم مطلق و مطلق علم است. این مفسر داری مبنایی است که مبتنی بر آن به تفسیر قرآن پرداخته و روشی را برای این تفسیر به کار می‌گیرد و یا با روشی مخالفت می‌ورزد؛ آن مبنا، عبارت است از وحیانی بودن قرآن به لحاظ منشا صدور. چنین می‌نماید ایشان مرزین تفسیر علمی و اعجاز علمی را کاملاً در برخورد با آیاتی که ماهیت طبیعت شناختی دارند، در نظر دارد. علم قطعی که مرز فرضیه و نسبی‌گرایی را درنور دیده و به قطعیت رسیده و اگر موضوع یک مقوله علمی به نحوی در قرآن و به هنگام نزول مطرح شده و امروزه در پرتو این علم قطعی آن حقیقت قرآنی بهتر شناخته می‌شود ما به آن به سان یک اعجاز علمی می‌نگریم .

برخی از نویسندگان اعجاز علمی قرآن را حمل بر تفسیر علمی دانسته‌اند درحالی که چنین تلقی صحیح و معتبر نمی‌باشد، اعجاز علمی تنها در تعداد انگشت شماری از سوره‌ها بشکل واضح آمده است که حتی نیازی به مفسر هم ندارد در حالی که تفسیر علمی یک رویکرد هست که با پیش‌دآوری نسبت به قرآن سعی در آشتی نشان دادن علوم جدید با آن دارد. بنابراین، تأکید جوادی آملی بر اعجاز علمی قرآن به معنای تفسیر علمی نیست و با آن تفاوت‌هایی ماهوی زیادی دارد.